

الگوی قرآنی تاب‌آوری جمعی و بازخوانی آن در بستر جنگ رمضان^۱

بیان مسئله

مفهوم «تاب‌آوری» در ادبیات معاصر علوم انسانی به توانایی فرد یا جامعه برای حفظ کارکرد، بازسازی معنا و تداوم حیات در شرایط فشار، بحران و تعارض اشاره دارد. در مطالعات دینی، این مفهوم با مفاهیمی چون صبر، ثبات، توکل، همبستگی ایمانی و امید الهی قابل مقایسه است. در منابع لغوی عربی، «صبر» که یکی از نزدیک‌ترین مفاهیم به تاب‌آوری است، به معنای پایداری و بازداشتن نفس در شرایط سخت تعریف شده است. ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: «الصَّبْرُ حَبْسُ النَّفْسِ عَنِ الْجَزَعِ» (ابن منظور، لسان العرب، ماده صبر)؛ یعنی صبر نگه‌داشتن نفس از بی‌تابی است. همچنین راغب اصفهانی می‌گوید: «الصبر هو حبس النفس علی ما یقتضیه العقل والشرع» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده صبر). این تعاریف نشان می‌دهد که صبر در نگاه قرآنی صرفاً تحمل منفعلانه نیست بلکه نوعی کنترل آگاهانه و هدفمند در برابر دشواری‌هاست.

این برداشت لغوی زمینه فهم اصطلاحی مفهوم تاب‌آوری در قرآن را فراهم می‌کند؛ زیرا قرآن کریم پایداری در بحران را صرفاً به عنوان یک فضیلت فردی مطرح نمی‌کند بلکه آن را به صورت یک کنش اجتماعی و جمعی نیز بیان می‌کند. در واقع بسیاری از آیات قرآن به مقاومت جمعی مؤمنان در برابر فشارهای سیاسی، نظامی و اجتماعی اشاره دارند. به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰). طبری در تفسیر این آیه می‌نویسد: «اصبروا علی دینکم وصابروا عدوکم ورابطوا فی سبیل الله» (طبری، جامع البیان، ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران). همچنین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بیان می‌کند: «الآیة تدعو إلی صبر جماعی یوجب حفظ قوه المجتمع الإسلامی أمام التحديات» (طباطبایی، المیزان، ج ۴).

این آیه نشان می‌دهد که قرآن میان صبر فردی و صبر اجتماعی تفاوت قائل است و مؤمنان را به نوعی هم‌افزایی در پایداری دعوت می‌کند. تعبیر «صابروا» و «رابطوا» بیانگر نوعی شبکه همبستگی و حضور فعال در برابر تهدیدهاست که می‌توان آن را نوعی الگوی قرآنی برای تاب‌آوری جمعی دانست. چنین الگویی تنها به تحمل رنج محدود نمی‌شود بلکه شامل سازمان‌یافتگی اجتماعی، تقویت امید الهی، اعتماد به وعده‌های الهی و حفظ انسجام اجتماعی در شرایط بحران است. بنابراین قرآن در واقع نوعی چارچوب معنوی و اجتماعی برای مقاومت و بازیابی توان جامعه در شرایط فشار ارائه می‌دهد.

یکی از بسترهای مهم فهم این الگوی قرآنی، بررسی شرایط جنگ و بحران در تاریخ اسلام است. قرآن در توصیف شرایط سخت نبرد می‌فرماید: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ... وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب: ۲۲). ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌نویسد: «أى لما رأوا الأحزاب وتكالب الأعداء لم يزداهم ذلك إلا يقيناً بالله وثباتاً» (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ذیل آیه ۲۲ احزاب).

این آیه نمونه‌ای روشن از سازوکار روانی و اجتماعی تاب‌آوری در قرآن است. در شرایطی که جامعه مسلمانان با فشار شدید نظامی و روانی روبه‌رو بود، واکنش آنان نه فروپاشی اجتماعی بلکه افزایش ایمان و انسجام بود. قرآن این واکنش را نتیجه پیوند میان ایمان، اعتماد به وعده الهی و رهبری دینی می‌داند. چنین الگویی نشان می‌دهد که تاب‌آوری جمعی در نگاه قرآنی مبتنی بر عناصر معنوی و هویتی است؛ عناصری که سبب می‌شود بحران نه عامل فروپاشی بلکه عامل تقویت هویت جمعی شود. این تحلیل می‌تواند برای فهم رفتار جوامع دینی در شرایط جنگ و فشار اجتماعی نیز اهمیت داشته باشد.

در سنت نبوی نیز مفهوم تاب‌آوری اجتماعی به شکل گسترده‌ای مطرح شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مثل المؤمنین فی توادهم وتراحمهم وتعاطفهم مثل الجسد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى» (صحیح بخاری، کتاب الأدب؛ صحیح مسلم، کتاب البر). این روایت جامعه ایمانی را به پیکری واحد تشبیه می‌کند که درد یک عضو به واکنش کل بدن می‌انجامد.

این تشبیه نشان‌دهنده یکی از مهم‌ترین بنیان‌های تاب‌آوری جمعی یعنی همدلی و همبستگی اجتماعی است. وقتی اعضای یک جامعه درد و رنج یکدیگر را درک کنند، ظرفیت جامعه برای مقابله با بحران افزایش می‌یابد. از منظر جامعه‌شناسی دینی نیز همبستگی یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ انسجام در شرایط بحران محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که قرآن و سنت، علاوه بر توصیه به صبر فردی، نوعی نظام اخلاقی و اجتماعی برای تقویت پایداری جمعی ارائه می‌دهند که شامل همدلی، همیاری، امید و اعتماد به وعده‌های الهی است.

از سوی دیگر، ماه رمضان در سنت اسلامی علاوه بر بُعد عبادی، بستر مهمی برای تقویت هویت جمعی و روحیه مقاومت در جامعه مسلمانان به شمار می‌رود. رخدادهایی مانند جنگ بدر که در ماه رمضان رخ داد، نمونه‌ای از پیوند میان معنویت این ماه و پایداری اجتماعی مسلمانان است. قرآن درباره این واقعه می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» (آل عمران: ۱۲۳). در تفسیر المیزان آمده است: «التذكير ببدر يراد به تقوية روح الاعتماد على الله في مواجهة الأخطار» (طباطبایی، المیزان، ج ۴).

یادآوری چنین تجربه‌هایی در قرآن نشان می‌دهد که بحران‌های تاریخی می‌توانند به منبعی برای تقویت حافظه جمعی و افزایش تاب‌آوری جامعه تبدیل شوند. وقتی جامعه‌ای تجربه پیروزی در شرایط دشوار را در حافظه دینی خود حفظ می‌کند، این تجربه به سرمایه معنوی تبدیل می‌شود که در بحران‌های بعدی نیز به جامعه قدرت مقاومت می‌بخشد. از این منظر، بازخوانی الگوی قرآنی تاب‌آوری در بستر رخدادهایی که در ماه رمضان و در شرایط جنگ یا فشار اجتماعی رخ می‌دهد، می‌تواند به فهم بهتر سازوکارهای معنوی و اجتماعی مقاومت در اندیشه اسلامی کمک کند.

بر این اساس مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که قرآن کریم چه الگویی از تاب‌آوری جمعی در شرایط بحران ارائه می‌دهد و این الگو چگونه می‌تواند در بستر جنگ‌ها و بحران‌هایی که در ماه رمضان رخ می‌دهد بازخوانی و تبیین شود. بررسی این مسئله می‌تواند نشان دهد که مفاهیمی چون صبر، توکل، همبستگی ایمانی و امید الهی چگونه در قرآن به یک نظام منسجم برای تقویت مقاومت اجتماعی تبدیل شده‌اند و چه ظرفیت‌هایی برای تحلیل و فهم رفتار جوامع مسلمان در شرایط بحران دارند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت پرداختن به «الگوی قرآنی تاب‌آوری جمعی و بازخوانی آن در بستر جنگ رمضان» از چند جهت علمی، نظری، اجتماعی و کاربردی قابل تبیین است

1. اهمیت نظری

تاب‌آوری جمعی در سال‌های اخیر به یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی بحران و علوم سیاسی تبدیل شده است. با این حال، ادبیات اسلامی و قرآنی در این زمینه هنوز به صورت نظام‌مند و مدل‌مند تحلیل نشده است. قرآن کریم نه تنها تاب‌آوری را در بُعد فردی بیان می‌کند، بلکه با مفاهیمی همچون صبر جمعی، رابطه، نصرت الهی، همبستگی ایمانی و امید در بحران، بنیان‌های یک نظریه تاب‌آوری اجتماعی را نیز ترسیم می‌کند. تبیین علمی این عناصر می‌تواند شکاف موجود میان نظریه‌پردازی‌های غربی و مفاهیم قرآنی را پر کند و به تولید دانش بومی در حوزه مطالعات مقاومت اجتماعی منجر شود.

2. اهمیت تاریخی - تفسیری

بخش مهمی از آیات مرتبط با مقاومت و پایداری در بستر رخداد‌های جنگی نازل شده‌اند؛ از جمله جنگ بدر، جنگ احزاب و دیگر مواجهات سخت صدر اسلام. بسیاری از این رخدادها در ماه رمضان رخ داده‌اند که خود دارای بار معنوی و اجتماعی عمیق است. بازخوانی این وقایع بر اساس الگوی تاب‌آوری جمعی به فهم دقیق‌تر زمینه‌های نزول آیات، کارکردهای تاریخی آنها و نیز شیوه مواجهه جامعه مسلمان اولیه با بحران کمک می‌کند. این امر خلأ موجود در مطالعات تاریخی - تفسیری را پاسخ می‌دهد.

3. اهمیت کاربردی

امروزه جوامع مسلمان با انواع فشارها، بحران‌ها و تهدیدهای بیرونی و درونی مواجه‌اند. مدل‌های غربی تاب‌آوری، هرچند مفید، اما کاملاً منطبق با ساختارهای فرهنگی - معنوی جوامع اسلامی نیستند. استخراج الگوی قرآنی تاب‌آوری جمعی می‌تواند چارچوبی بومی و کاملاً سازگار با نظام ارزشی و هویتی جامعه اسلامی برای مدیریت بحران‌های اجتماعی، جنگ‌ها، ناامنی‌ها و فشارهای روانی جمعی ارائه دهد. این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران، مراکز فرهنگی و سایر فعالان اجتماعی کاربرد مستقیم داشته باشد.

4. اهمیت معنوی و هویتی

ماه رمضان در قرآن و سنت، ماهی برای بازسازی روحی، تقویت صبر، افزایش همبستگی اجتماعی و احیای هویت ایمانی است. قرار گرفتن برخی رخدادهای سخت تاریخی در این ماه - مانند جنگ بدر - سبب شده است که تجربه معنوی رمضان با تجربه مقاومت جمعی گره بخورد. بازخوانی الگوی تاب‌آوری جمعی در بستر جنگ‌های رمضان به فهم این پیوند کمک کرده و ظرفیت‌های معنوی ماه مبارک رمضان را برای تقویت روحیه مقاومت و انسجام اجتماعی در شرایط بحران روشن می‌سازد.

5. نوآوری پژوهش

اگرچه در موضوع تاب‌آوری فردی و اجتماعی مطالعاتی انجام شده، اما موارد زیر کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

- استخراج مدل تاب‌آوری جمعی از متن قرآن

- تحلیل عناصر روانی، اخلاقی، معرفتی و اجتماعی آن

- بازخوانی این مدل در بستر رخدادهای جنگی، آن هم در ماه رمضان

-ارائه چارچوب نظری جدید برای فهم مقاومت اجتماعی در قرآن

این ابعاد، پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز کرده و آن را به یک کار نوآورانه تبدیل می‌کند. در مجموع، این پژوهش از یک سو خلأ علمی موجود در تبیین نظریه تاب‌آوری جمعی بر اساس آموزه‌های قرآنی را پر می‌کند و از سوی دیگر ظرفیت‌های معنوی - اجتماعی ماه رمضان را در سطح نظری و کاربردی برای تحلیل رفتار جوامع مسلمان در شرایط بحران روشن می‌سازد.

پیشینه پژوهش

پژوهش در باب «تاب‌آوری» در فضای اسلامی و قرآنی، بیشتر به صورت پراکنده و ذیل مفاهیمی چون صبر، استقامت، توکل، جهاد، نصرت الهی و همبستگی اجتماعی صورت گرفته و کمتر با عنوان مشخص «تاب‌آوری جمعی» و با رویکرد مدل‌سازی قرآنی سامان یافته است. از این رو، پیشینه را باید در چند دسته آثار جست‌وجو کرد:

آثار مربوط به صبر و استقامت در قرآن 1

کتاب‌ها و مقالات متعددی به بررسی «صبر» در قرآن پرداخته‌اند؛ مانند اثر مشهور محمدرضا نجفی با عنوان «صبر در قرآن» یا آثار مشابه در حوزه اخلاق قرآنی که اغلب با رویکرد توصیفی، ابعاد فردی، اخلاقی و گاه تربیتی صبر را واکاوی کرده‌اند. در این آثار معمولاً به آیاتی مانند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰) استناد شده، اما بیشتر تأکید بر فضیلت اخلاقی صبر فردی است نه بر مدل‌سازی «تاب‌آوری جمعی» به مثابه یک سازوکار اجتماعی. حتی در تفاسیر بزرگ مانند «المیزان»، «تفسیر نمونه» و «التحریر والتنوير»، ذیل این آیات توضیحات ارزشمندی آمده، اما در قالب بحث‌های تفسیری کلاسیک و نه نظریه‌پردازی مستقل درباره تاب‌آوری جمعی.

نمونه‌ای روشن، سخن علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران است که می‌نویسد: «تکرار الأمر بالصبر والمصابرة والمرابطة يدلّ علی أن المطلوب صبرٌ متساند یشیع فی جمیع أفراد المجتمع المؤمن» (طباطبایی، المیزان، ج ۴، ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران) .

این تعبیر به روشنی به صبر «متساند» و «اجتماعی» اشاره دارد؛ اما در قالب تفسیر آیه باقی می‌ماند و به صورت «نظریه تاب‌آوری جمعی» تدوین نمی‌شود. اگر این نکات تفسیری با ادبیات معاصر تاب‌آوری پیوند زده شود، می‌توان از سطح توصیه اخلاقی به سطح مدل‌سازی اجتماعی ارتقا یافت.

پژوهش‌های مربوط به مقاومت و پایداری اجتماعی در قرآن 2

در سال‌های اخیر برخی پژوهش‌ها به موضوع «فرهنگ مقاومت در قرآن»، «مبانی قرآنی پایداری اجتماعی»، «جهاد و صبر در قرآن» و مانند آن پرداخته‌اند. این آثار بیشتر در بستر مطالعات انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و فرهنگ ایثار و شهادت شکل گرفته‌اند. برای مثال، مقاله‌هایی با عنوان‌هایی نظیر «الگوی قرآنی مقاومت» یا «پایداری در قرآن از منظر تفاسیر» به بررسی مفاهیمی چون صبر، جهاد، توکل، نصرت و... پرداخته و بعضاً به آیات جنگی مانند آیات سوره انفال و آل عمران استناد کرده‌اند. با این حال، این تحقیقات اغلب :

- مفهوم «تاب‌آوری» را با ادبیات علمی جدید (resilience) به‌طور دقیق تطبیق نداده‌اند؛

- بیشتر معطوف به «مقاومت» به معنای ایستادگی در برابر دشمن‌اند، نه فرایند «بازسازی، ترمیم و بازیابی» جامعه پس از بحران که در ادبیات تاب‌آوری برجسته است؛

- کمتر به ماه رمضان به‌مثابه بستر زمانی - معنوی خاص برای شکل‌گیری مقاومت جمعی پرداخته‌اند.

برای نمونه، در برخی مقالات تفسیری ذیل آیه «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال: ۹) بر نقش دعا و استعاذه جمعی در تقویت روحیه و استقامت مسلمانان

در بدر تأکید شده است. طبری می‌نویسد: «کان استغاثتهم جماعياً يدلّ علی اجتماع قلوبهم علی التوجه إلى الله، فكان ذلك من أعظم أسباب ثباتهم» (طبری، جامع البیان، ذیل آیه ۹ انفال) .

این تحلیل نشان می‌دهد که عامل «دعا و استغاثه جمعی» به‌عنوان سازوکار روانی - معنوی تاب‌آوری جمعی در متن واقعه بدر حضور دارد؛ اما این نکته در چارچوب مفهومی «تاب‌آوری» صورت‌بندی علمی و جامعه‌شناختی نشده و در حد اشاره تفسیری باقی مانده است.

آثار مربوط به رمضان، جنگ بدر و سایر وقایع جنگی 3

در حوزه تاریخ اسلام و سیره نبوی، آثار متعددی به جنگ بدر، احد، احزاب و... پرداخته‌اند؛ مانند «المغازی» واقدی، «السیره النبویه» ابن هشام، «تاریخ طبری» و نیز پژوهش‌های معاصر درباره «غزوات در ماه رمضان». بیشتر این آثار به توصیف تاریخی وقایع، تحلیل نظامی و سیاسی، شمار نیروها، آرایش سپاه، و نتایج نظامی جنگ‌ها می‌پردازند. در برخی پژوهش‌های جدیدتر، به «ابعاد معنوی بدر» یا «نقش ایمان در پیروزی مسلمانان» اشاره شده است، اما :

- پیوند سیستماتیک بین «ماه رمضان» و «فرآیند شکل‌گیری تاب‌آوری جمعی» تبیین نشده؛

- مؤلفه‌های قرآنی سازنده تاب‌آوری (مانند ذکر، صبر، تقوا، توکل، امید به نصرت الهی، رهبری نبوی، همبستگی انصار و مهاجرین) در قالب یک مدل منسجم استخراج نشده‌اند.

برای نمونه، برخی مفسران ذیل آیه «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» (آل عمران: ۱۲۳) به این نکته اشاره کرده‌اند که یادآوری بدر برای تقویت روحیه جامعه در بحران‌های بعدی است. در تفسیر قرطبی آمده است: «فِيهِ تَسْلِيَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَتَثْبِيتٌ لَهُمْ بِذِكْرِ نَصْرِ سَابِقٍ فِي أَشَدِّ الْحَالَاتِ ضَعْفًا» (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ذیل آیه ۱۲۳ آل عمران) .

این تعبیر در واقع به نقش «حافظه جمعی» و «یادآوری پیروزی‌های پیشین» در تثبیت روحیه جامعه اشاره دارد؛ یکی از مؤلفه‌های محوری تاب‌آوری جمعی در نظریات معاصر. اما در سنت پژوهشی ما،

این نکته بیشتر در حد تذکار اخلاقی - ایمانی باقی مانده و کمتر به صورت «سازوکار اجتماعی تاب‌آوری» تئوریزه شده است.

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای تاب‌آوری و دین 4

در سطح بین‌المللی، برخی تحقیقات در حوزه «روان‌شناسی دین» و «جامعه‌شناسی دین» به نقش ایمان و دین در تاب‌آوری فردی و اجتماعی پرداخته‌اند؛ برای مثال، مطالعاتی درباره نقش ایمان در عبور از بحران‌های جنگ، مهاجرت اجباری، بلایای طبیعی و... با این حال، این آثار غالباً بر متون مسیحی یا تجارب جوامع غربی متمرکز بوده و به‌ندرت به قرآن و سنت اسلامی پرداخته‌اند. در فضای فارسی نیز تعداد محدودی مقاله با عنوان‌هایی نظیر «نقش دین در تاب‌آوری روان‌شناختی» یا «ایمان و تاب‌آوری در بحران» وجود دارد که غالباً از منظر روان‌شناسی و با ارجاعات کلی به آیات صبر و توکل نوشته شده‌اند؛ بدون آن که الگوی قرآنی مستقل و منسجم استخراج کنند.

در برخی از این مقالات، به آیاتی مانند «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) استناد شده و گفته‌اند: «این آیه نوعی بازسازی شناختی و معنوی بحران را آموزش می‌دهد که می‌تواند از هم‌پاشی روانی و اجتماعی ممانعت کند» (نویسنده‌ای در یک مقاله روان‌شناختی).

این تحلیل در واقع ناظر به یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری است (بازمعنا کردن رنج)، اما همچنان در سطح فردی باقی است و با بحث «تاب‌آوری جمعی در بستر جنگ رمضان» فاصله دارد.

نتیجه‌گیری از خلأها و جایگاه پژوهش حاضر 5

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان جمع‌بندی کرد که :

- مفهوم «تاب‌آوری جمعی» به صورت اصطلاحی و نظری، کمتر در مطالعات قرآنی به کار رفته است؛

-بیشتر آثار، یا به صبر و مقاومت در سطح فردی پرداخته‌اند، یا به مقاومت سیاسی - نظامی بدون توجه به ابعاد روانی، معنوی، هویتی و نهادی تاب‌آوری جمعی؛

-پیوند «الگوی قرآنی تاب‌آوری جمعی» با «بستر خاص جنگ‌ها و رخدادهای ماه رمضان» (به‌ویژه بدر) به‌صورت یک موضوع مستقل و منسجم مورد مطالعه قرار نگرفته است؛

-تفسیر کلاسیک و معاصر، مواد خام بسیار غنی (مانند تحلیل‌هایشان از آیات صبر، رابطه، نصرت الهی، ذکر بدر و احزاب) برای نظریه‌پردازی در این حوزه ارائه کرده‌اند، اما این مواد خام هنوز در قالب یک «الگوی نظری و میان‌رشته‌ای» (میان علوم قرآن، جامعه‌شناسی دین و مطالعات جنگ/بحران) ترکیب و بازسازی نشده است.

از این جهت، پژوهش حاضر درصدد است با تکیه بر آیات مربوط به جنگ‌ها و بحران‌ها، به‌ویژه آنچه در بستر ماه رمضان رخ داده، و با بهره‌گیری از تفاسیر معتبر و ادبیات معاصر تاب‌آوری، الگوی قرآنی «تاب‌آوری جمعی» را استخراج، تبیین و بازخوانی کند و خلأ موجود در پیشینه را جبران نماید.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

قرآن کریم چه الگویی از تاب‌آوری جمعی ارائه می‌دهد و این الگو چگونه در بستر جنگ‌ها و رخدادهای تاریخی ماه رمضان قابل تبیین و بازخوانی است؟

سؤالات فرعی

۱ مؤلفه‌ها و سازوکارهای روانی، معرفتی و اجتماعی تاب‌آوری جمعی در قرآن کدام‌اند و چگونه در آیات مرتبط با صبر، رابطه و نصرت الهی نمود یافته‌اند؟

۲ چه نسبت و پیوندی میان تاب‌آوری جمعی قرآنی و عوامل معنوی و عبادی ماه مبارک رمضان (مانند روزه، ذکر، دعا و همبستگی ایمانی) وجود دارد؟

۳ الگوی قرآنی تاب‌آوری جمعی در رخدادهایی چون جنگ بدر و احزاب چه مصادیق تاریخی و رفتاری دارد و چگونه می‌توان آن را به عنوان یک مدل قرآنی-اجتماعی بازخوانی کرد؟

فرضیه‌های پژوهش

-فرضیه اول: به نظر می‌رسد که تاب‌آوری جمعی در قرآن بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌های معرفتی، روانی و اجتماعی استوار است؛ به‌گونه‌ای که ایمان به وعده نصرت الهی، صبر فعال و راهبردی، توکل، مرابطه و همبستگی ایمانی از مهم‌ترین سازوکارهایی هستند که در آیات مرتبط با صبر و جهاد برای حفظ استقامت و پایداری جامعه مؤمنان در شرایط بحران معرفی شده‌اند .

-فرضیه دوم: احتمالاً میان فضای معنوی و عبادی ماه رمضان و تقویت تاب‌آوری جمعی در جامعه اسلامی رابطه‌ای تقویتی وجود دارد؛ به این معنا که عباداتی مانند روزه، دعا، ذکر و تقویت همبستگی ایمانی، موجب افزایش خودکنترلی، امید، اعتماد به وعده‌های الهی و انسجام اجتماعی شده و در نتیجه ظرفیت جامعه برای مقاومت و پایداری در برابر بحران‌ها افزایش می‌یابد .

-فرضیه سوم: می‌توان فرض کرد که رخدادهایی مانند جنگ بدر و احزاب نمونه‌های تاریخی برجسته از تجلی الگوی قرآنی تاب‌آوری جمعی هستند؛ به‌گونه‌ای که در این وقایع، مؤلفه‌هایی مانند ایمان به وعده الهی، رهبری پیامبر(ص)، همبستگی اجتماعی و صبر جمعی، در شرایط ضعف مادی و فشار شدید دشمن، به تقویت روحیه جامعه مؤمنان و تحقق پیروزی یا حفظ انسجام اجتماعی انجامیده است.

